

پارس جنوبي گنجي خفته يا خوابی آشفته

بازخواني حقايق تكان دهنده ۲۰۰ ميليارد دلار در آمد نفتي كه تاكنون در پارس جنوبي از دست رفته

فاز ۱۲ پارس جنوبي، بزرگ ترين پروژه کشور

| فاز (ها) | | تا اين زمان تاخير تقريبي | | از دست رفته (يا تاخير در اجرا) متوسط ضرر زمان |
|--|--|--------------------------|--|---|
| ۸ و ۷ و ۶ | | ۲ سال | | مليارد دلار ۶ |
| ۱۰ و ۹ | | ۲ سال | | مليارد دلار ۶ |
| ۱۱ و Pars LNG (هم اكنون با نام ۲۷ و ۲۸) | | ۳ سال | | مليارد دلار (به غير از LNG) ۱۸ |
| ۱۲ و Iran LNG (معادل ۳ فاز) | | ۲ سال | | مليارد دلار (به غير از LNG) ۱۸ |
| ۱۳ و ۱۴ و Persian LNG | | ۴ سال | | مليارد دلار (به غير از LNG) ۲۴ |
| ۱۵ و ۱۶ | | ۲ سال | | مليارد دلار ۹ |
| ۱۷ و ۱۸ | | ۲ سال | | مليارد دلار ۹ |
| ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ | | ۳ سال | | مليارد دلار ۲۷ |
| ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ | | ۳ سال | | مليارد دلار ۲۷ |
| جمع كل متوسط درآمد از دست رفته (بابت تاخير در اجراي پالایشگاه هاي پارس جنوبي) | | | | مليارد دلار ۱۴۴ |

درآمدهای از دست رفته پارس جنوبی

| | |
|--|------------------|
| درآمد از دست رفته بابت تاخير در اجراي پالایشگاه ها | ۱۴۴ ميليارد دلار |
| درآمد از دست رفته بابت تاخير در پروژه هاي پتروشيمي | ۳۰ ميليارد دلار |
| ضرر حاصل از بالا رفتن قيمت اجراي پروژه ها | ۲۷ ميليارد دلار |
| جمع كل | ۲۰۴ ميليارد دلار |

ماجرای پارس جنوبی را بحق می توان غم انگیز ترین ماجرای اقتصاد ایران خواند. از یک طرف این پروژه که زمانی می توانست ایران را ثروتمند کند به رغم تلاش های وافر کارشناسان اقتصادي و نفتي با تاخير بسيار زياد شروع شد (این میدان مشترک گازی با قطر در دهه ۱۳۵۰ یا اوایل دهه ۱۹۷۰ کشف شد و قطر در سال ۱۹۹۰ و ایران در سال ۲۰۰۱ از آن بهره برداری کرد) و از طرف دیگر با تغییر فقط یک دولت تمام تلاش های به ثمرنشسته فعالان اقتصادي بی اثر ماند و منطقه عسویه بنابر گزارش های رسمي و غیررسمي کارشناسان منطقه عسویه که نماد پیشرفته صنعت نفت ایران به حساب می آمد به خواب رفته است. منطقه عسویه و میدان پارس جنوبی را به درستي می توان نماد عملکرد و فعالیت دولت نهم دانست. وضعیت این منطقه، پرچم فعالیت و توسعه اقتصادي دولت نهم است. زمانی در این منطقه حدود ۶۰ هزار نیروی کار داخلي و خارجي به فعالیت مشغول بودند اکنون نیروی کار شاغل با کاهش ۹۲ درصدی حداکثر به ۵ هزار نفر رسیده است. زمانی در این منطقه شرکت های خارجي برای حضور در توسعه فازهای میدان پارس جنوبی به رقابت برخاسته بودند اکنون شاهد پروژه های به خواب رفته و کاهش شدید فعالیت هستیم به طوری که دیگر دولت قادر به تامین منابع مالی آن نیست و برای تامین آن مجبور به انتشار اوراق مشارکت شده است که اگر غیر از این باشد بنا بر اطلاعات شرکت نفت و گاز پارس «طرح های برنامه ریزی شده پارس جنوبی با ادامه شرایط فعلی به بهره برداری نمی رسند.» از این رو پروژه پارس جنوبی را که دولت های قبلی پس از جنگ تحمیلی با تمام توان به دنبال توسعه آن بودند تا در بهره برداری از آن از کشور همسایه قطر بیشتر عقب نماییم، باید نماد عملکرد اقتصادي دولت نهم دانست. اگر به دنبال قضاوت درباره عملکرد اقتصادي دولت نهم هستیم، اگر می خواهیم در این خصوص به مقایسه عملکرد اقتصادي

میان دولت نهم با دولت قبلی پیردازیم و ارزشگذاری کنیم و اگر می‌خواهیم میان عمل و حرف دولت‌ها «فرق» بگذاریم که کدام دولت حرف زد و کدام دولت عمل کرد باید عسویه و پارس جنوبی را معیار و ملاک قرار دهیم. گزارش گنجی خفته یا خواب آشفته به بررسی وضعیت پارس جنوبی می‌پردازد.

متأسفانه به دلیل عدم وجود دوراندیشی و تحلیل و برنامه ریزی حساب شده دولت نهم در جهت منافع واقعی کشور و ملت، درآمد بیش از ۳۰۰ میلیارد دلاری حاصل از فروش نفت (به اعتباری یک چهارم کل درآمد تاریخ صدساله صنعت نفت ایران)، به جای تبدیل شدن به سرمایه‌های روزمینی زاینده، صرف تبلیغات روزمره گروهی با اهداف عمیقاً توده‌گرایانه شد و یک فرصت تاریخی در جهت افزایش ثروت و رفاه ملت ثروتمند اما فقیر مانده ایران از دست رفت. این نوشتار اما، به آنچه خواهد پرداخت بررسی وضعیت کلی پروژه‌های صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و خصوصاً بررسی وضعیت پروژه‌ها در منطقه پارس جنوبی و میدان مشترک با کشور همسایه، قطر، است که حسب الاتفاق در مقاطعی حجم عظیمی از فعالیت‌های تبلیغی دولت نهم در حیطه پروژه‌های نفت و گاز بر این نقطه طلایی بنا شده است.

مخزن پارس جنوبی به عنوان بزرگ‌ترین مخزن گازی جهان (لطفاً دقت کنید؛ بزرگ‌ترین مخزن گازی جهان) به یقین می‌تواند یک اهرم قوی اقتصادی و منبع بسیار مهم سرمایه‌ی برای مملکت بوده و در صورت استفاده هوشمندانه از این سرمایه عظیم خدادادی، نقش چشمگیری در رونق کسب و کار و افزایش درآمد سرانه و بالا بردن سطح رفاه همه مردم داشته باشد. نمونه این سرمایه‌گذاری هوشمندانه توسط کشورهای عربی کوچک حاشیه خلیج فارس در سال‌های گذشته انجام شده است و نتیجه آن این شده که هنگامی که کاسه‌گدایی کودکان معصوم این مرز و بوم بر سر هر چهارراه پایتخت ایران به یقین ثروتمند، اشک هر ایرانی دلسوز را ناگزیر درمی‌آورد. البته این نوشتار قصد بررسی انگیزه‌ها و جهان‌بینی دولتمردان کشورهای عربی را نداشته و آنچه قصد گوشزد کردن آن را دارد نحوه نگاه دورمدت به سرمایه‌ی بی‌که متعلق به نسل هاست و باید از این امانت خدادادی به درستی در جهت بهبود احوال همین مردم استفاده کرد.

در ابتدا برای آنکه فقط تصویری از حجم «هزینه‌زمان از دست رفته» در این منطقه طلایی از دنیا داشته باشید کافی است بدانید ارزش سالانه محصولات گازی حاصل از توسعه هر فاز از پارس جنوبی بر مبنای قیمت متوسط روز این محصولات در چند ماه گذشته بین ۲/۵ تا ۳/۵ میلیارد دلار است و به این ترتیب برای ۲۰ فازی که اکنون با تاخیر مواجه اند سالانه ۵۰ تا ۷۵ میلیارد دلار ضرر زمان از دست رفته خواهیم داشت و این فقط قسمتی از زیان‌های متعددی است که از تاخیر در توسعه این منطقه به این مملکت وارد می‌شود و به عنوان مثال زیان حاصل از تاخیر در پروژه‌های پتروشیمی که در صورت به ثمر رسیدن فازهای پارس جنوبی می‌توانسته راه اندازی شود به تنهایی عدد بزرگی را به رقم فوق می‌افزود. (در ادامه مطلب لیستی از عواید حاصل از این گنج عظیم را با هم مرور خواهیم کرد).

شاید به یقین (در خوشبینانه‌ترین حالت) بتوان گفت بی‌مبالاتی و بی‌تدبیری صورت گرفته طی این چند سال در صنعت نفت این کشور، در تاریخ پرفراز و نشیب این مملکت اگر نه بی‌سابقه، کم سابقه بوده است. هیچ هم‌احتیاج به استدلال‌های پیچیده کارشناسی برای ورود به این بحث نیست، چراکه وقتی وزارتخانه معظم نفت (که به اعتباری مهم‌ترین وزارتخانه مملکت است)، به رغم وجود افراد باصلاحیت در مملکت، طی این چهار سال چندین ماه بدون سرپرست و چند ماه هم نیز با سرپرست اما بدون وزیر اداره می‌شود و در نهایت نیز در یک دوره چهارساله دو وزیر را به خود می‌بندد و تمامی شرکت‌های زیرمجموعه این وزارتخانه نیز به رغم نیاز به برنامه‌های درازمدت و دوراندیشانه که ظرفیت مدیریت‌گردش عظیم مالی موجود در این صنعت را داشته باشد گاه تا چهار بار تعویض شده اند (نظیر شرکت ملی پتروشیمی با متوسط سالی یک مدیر،) دیگر باقی استدلالات، نقشبند ایوان است، و نیازی به بیان فاجعه‌ی بی‌که بر سر این صنعت آمده نیست. بسیاری از همفکران رئیس جمهور محترم، تعویض مدیران را نشانه‌ی بی‌اصولگرایی و قاطعیت ایشان در برخورد با مدیران ضعیف توصیف می‌کنند اما مسأله اینجاست که این موضوع تا به حال علاوه بر اینکه خیلی به عملکرد آن افراد ربطی نداشته، تبدیل به رویه جاری و آیین مملکت داری در دولت مهرورز نهم شده است. موضوع این نیست که مدیری که ضعیف است نباید عوض شود، بلکه موضوع این است که صنایع بزرگ و کلان برای پیشرفت خود احتیاج به برنامه‌های درازمدت و منسجم دارند و به همین دلیل به جای آنکه هر روز یک مدیر جدید بیاوریم و آن را به سرعت عوض کنیم باید از ابتدا در انتخاب مدیران باصلاحیت دقت و وسواس به خرج دهیم تا مجبور نشویم هر روز به بهانه بی‌مدیران مجموعه‌های کلان کشور را تعویض کنیم و از این رهگذر مصیبتی جدید را به کشور تحمیل کنیم.

البته نباید از نظر دور داشت که حتی طی همین مدت نیز مجموعه نیروهای لایق مدیریتی و کارشناسی شاغل در صنعت نفت با تمام وجود در حال ارائه خدمات به این صنعت ملی بوده اند. اما به دلیل سوءمدیریت‌های کلان مرسوم در کشور، متأسفانه قسمت عمده‌ی بی‌اثر از این زحمات یا به هدر رفته یا بلااستفاده مانده است. این موضوع علاوه بر اینکه ضرر عدم استفاده از سرمایه‌های لایق و حقیقتاً ارزشمند این صنعت را سبب شده است، باعث یأس و سرخوردگی گسترده جمع کثیری از نیروهای باصلاحیت این حوزه مهم اقتصادی مملکت نیز شده که یکی از نتایج اسفبار آن، سیل مهاجرت

نیروهای زبده و جوان ایران به دیگر کشورهاست. موضوعی که در سال اصلاح الگوی مصرف می تواند مصداق بدترین شکل اتلاف سرمایه های معنوی این مملکت باشد.

به هر تقدیر در چهار سال اخیر بر خلاف تبلیغات بسیار مفصل و گسترده بی که با هزینه های هنگفت درباره افتتاح پروژه های پارس جنوبی انجام شد، این منطقه با رکود زایدالوصفی همراه بوده و این رکود از چند زاویه ضربات مهلکی را به پیکره اقتصاد متکی به درآمدهای نفت این مملکت وارد کرده است.

در این نوشته سعی خواهیم کرد بر اساس یکسری از واقعیات و آمار مشخص به بررسی مزایای اقتصادی پارس جنوبی برای مملکت و زیان حاصل از رکود عظیم پروژه های توسعه بی و نتایج منفی این رکود حاصل از سوءتدبیر پیردازیم. پارس جنوبی کجاست

پارس جنوبی قسمتی از بزرگ ترین میدان گازی فراساحلی جهان به مساحت تقریبی ۹۷۰۰ کیلومتر مربع و مشترک بین دو کشور ایران و قطر (کنبد شمالی) در آب های خلیج فارس است. سهم ایران از این مخزن حدود ۳۷۰۰ کیلومتر مربع است. این مخزن در فاصله ۱۰۰ تا ۱۵۰ کیلومتری سواحل استان بوشهر و در مرز ساحلی در فاصله حدود ۲۷۰

کیلومتری این شهر واقع است (فاصله عسلویه تا بوشهر). حجم ذخایر ایران در این مخزن شامل ۱۴ هزار میلیارد متر مکعب گاز و بیش از ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی است. این مقدار گاز برابر حدود ۸ درصد کل ذخایر گازی جهان و بیش از حدود ۵۰ درصد ذخایر گاز ایران است. ایران با دارا بودن حدود ۱۶ درصد گاز دنیا، دومین رتبه جهانی را پس از

روسیه به خود اختصاص داده است. آنچه مسلم است اینکه این سفره زیرزمینی، سفره بی مشترک و در پس این مرز مجازی است. گویی سطح سطل ماستی را با خطی به دو نیمه تقسیم کنیم و از هر یک از طرفین بخواهیم هنگام خوردن ماست از خط تجاوز نکنند، نتیجه مشخص است؛ هر نفر بدون اینکه از خط مرزی عبور کند، می تواند همه ماست را بخورد. قطر با استفاده از پتانسیل شرکت های بین المللی و سرمایه گذاری برنامه ریزی شده از سال ۱۹۹۰ شروع به بهره برداری از این میدان کرده است. حال آنکه اولین بهره برداری ها توسط ایران از میدان گازی پارس جنوبی، پس از راه اندازی فازهای ۲ و ۳ توسط شرکت توتال فرانسه و در سال ۲۰۰۲ آغاز شد.

در میانه اجرای فازهای ۲ و ۳ با تاسیس شرکت ایرانی پتروپارس در سال ۱۳۷۷ و واگذاری توسعه فاز یک پارس جنوبی به این شرکت، سرعت توسعه این میدان گازی به نحو چشمگیری افزایش پیدا کرد. به این نحو که شرکت پتروپارس در میانه راه موفقیت آمیز توسعه فاز یک پارس جنوبی، با ایجاد مشارکت با شرکت انی ایتالیا، توسعه فازهای ۴ و ۵ پارس جنوبی را آغاز کرد و سپس نیز با ایجاد شراکت با شرکت

استات اوپل نروژ توسعه فازهای ۶، ۷ و ۸ این میدان را نیز شروع کرد. بدین ترتیب پس از آغاز توسعه میدان پارس جنوبی در سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۹) تا سال ۱۳۸۰) در عرض سه سال) ۸ فاز از ۲۸ فاز این میدان نیز به قراردادهای توسعه رسید.

علا پس از حضور آقای احمدی نژاد در ریاست جمهوری، بر خلاف تمام ادعاهای مطرح شده توسط ایشان متأسفانه چراغ توسعه این منطقه مهم کشور هر روز از روز قیل کم فروغ تر شد. اکنون اگر به منطقه عسلویه و سایت های اطراف (از جمله سایت ۲ پارس جنوبی) در منطقه تمبک سری بزیند، جز معدود کارهای ساختمانی پالایشگاهی با سرعت بسیار

پایین و نفرات اندک درحال تردد، چیزی نخواهید دید و وقتی صحنه امروز این عرصه سابق شکوفایی را مثلاً یا سال های ۸۱ تا ۸۴ و آن حجم عظیم فعالیت ها و حضور افراد از اقوام گوناگون ایرانی از کارگر تا مدیر و مهندس و از بخش خصوصی تا دولتی و از ایرانی تا خارجی مقایسه کنید و ببینید چه آمده بر سر آن خاطرات شیرین روزهای نه چندان دور،

به سختی می توانید بر این احساس غبن حزن آور غلبه کنید. اگر دولت محترم بخواهد در جواب این نوشته مطلبی بنویسد (که اگر جواب هم بدهد جزء معدود دفعاتی است که خود را به پاسخگویی ملزم کرده است و البته آن هم بسیار نکوست حتی اگر به جهت استفاده تبلیغاتی و انتخاباتی جواب داده باشد) هیچ احتیاجی به آمارهای ساختگی و انگ و تهمت به

سیاه نمایی و از این قبیل ابزارهای روزمره دولت نیست. فقط کافی است از مردم زحمتکش روستاها و شهرهای آن منطقه سوال کنند وضعیت اقتصادی شان در این چند سال چقدر افت داشته است. بنا بر برخی آمار، تعداد نیروی مستقیم کار از بیش از ۶۰ هزار نفر در منطقه اکنون به حدود پنج تا شش هزار نفر رسیده است، یعنی کمتر از ۱۰ درصد، علاوه بر

ضررهای اقتصادی حاصل از عدم برآورده شدن درآمدهای فوق الذکر، به دلیل تاخیر و عملاً توقف در اجرای این پروژه ها، عملاً منفعت عظیمی به دلیل از دست رفتن ذخایر مشترک گازی با قطر از کف ملت به در خواهد رفت که جبران ناپذیر خواهد بود.

به هر ترتیب عموماً می توان عواید مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی حاصل از پارس جنوبی را در طبقه بندی زیر خلاصه کرد.

الف- عواید مستقیم

1- عواید حاصل از تولید و فروش گاز طبیعی، میعانات گازی و گوگرد و دیگر محصولات گازی (همان طور که اشاره شد ارزش سالانه حاصل از این بخش بر مبنای قیمت متوسط روز این محصولات در چند ماه گذشته بین ۲/۵ تا ۳/۵ میلیارد دلار در هر فاز است و به این ترتیب برای ۲۰ فازی که اکنون با تاخیر مواجه اند سالانه فقط ۵۰ تا ۷۵ میلیارد دلار ضرر زمان از دست رفته خواهیم داشت.)

2- عواید حاصل از تبدیل گاز طبیعی و میعانات به محصولات پتروشیمی با ارزش افزوده بالا (در کارخانجات پتروشیمی منطقه پارس جنوبی و دیگر پتروشیمی های داخل کشور)

3- عواید حاصل از مصرف مواد پتروشیمی فوق الذکر برای مصرف در صنایع پایین دستی پتروشیمی در سطح کشور نظیر خط اتیلن غرب از عسلویه تا ارومیه با ظرفیت تامین خوراک ۱۰ مجتمع پتروشیمی

4- عواید حاصل از ایجاد صنایع انرژی بر (نظیر کارخانجات تولید آلومینیوم) در منطقه پارس جنوبی که ارزش افزوده بالایی ایجاد خواهد کرد.

ب- عواید غیرمستقیم

1- رونق چشمگیر صنایع داخلی تامین کننده تجهیزات و مواد و افزایش درآمد ناخالص ملی

2- ایجاد درآمدهای چشمگیر برای بخش های مدیریت، مهندسی، خدمات و بخش های مشابه

3- ایجاد رونق تجاری در یک منطقه صنعتی پررفت و آمد بین المللی

4- سود حاصل از جاذبه های توریستی استثنایی منطقه.

تا قبل از افزایش شدید قیمت نفت در دو سال پیش، برآوردهای شرکت ملی نفت برای اجرای هر فاز پالایشگاه گاز حدود یک میلیارد دلار بود. توضیح اینکه یک فاز پارس جنوبی به شکل عمومی شامل تاسیسات سکو های دریایی (پایه و عرشه)، خط لوله زیر دریا به طول بیش از ۱۰۰ کیلومتر و ضخامت ۳۲ اینچ و یک پالایشگاه گاز در بخش خشکی با ظرفیت یک میلیارد فوت مکعب گاز در روز است. فازهای یک تا ۱۰ پارس جنوبی تقریباً بر همین مبنای دولت اصلاحات به قرارداد رسید و اگر سیر انعقاد قراردادها با همان سرعت پیگیری می شد، اکنون مجبور نبودیم برای اجرای هر فاز به رقمی نزدیک به ۲/۵ میلیارد دلار برسیم. معنای این حرف حدود ۲۷ میلیارد دلار هزینه بیشتر اجرای این پروژه ها است. هرچند در همین قیمت ها هم همچنان منافع درازمدت ملی ایجاب می کند که برای جلوگیری از ضرر بیشتر حتی از یک روز تاخیر در انعقاد قرارداد این پروژه ها اجتناب کنیم. اما مع الاسف پایانی بر سوءتدبیر این دولت متصور نیست و تاخیرها همچنان ادامه دارد ..

به این تاخیرها اضافه کنید ضرر عدم مشارکت شرکت های خارجی صاحب تکنولوژی در سال های اخیر را به دلیل سیاست خارجی درخشان دولت نهم که موجب شده است فازهای ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ را که به ترتیب به مشارکت هایی با حضور قرارگاه خاتم الانبیا(ص) و شرکت ایرانی OIEC و سازمان گسترش و نوسازی ایران در حال انجام است علاوه بر تاخیرهای فراوان و تردید جدی در کیفیت انجام کار، در حال انجام مذاکرات برای افزایش قیمت قراردادها بر مبنای قیمت های روز باشند.

و عده، تبلیغات و دیگر هیچ

یکی از مثال های جالب توجه در این مورد که دیگر همگی به اخلاقیات دولت نهم در تبلیغات بی پشتوانه عادت کرده ایم هنوز بیش از چند ماه از افتتاح پرسر و صدای آن نگذشته است، پروژه فازهای ۶، ۷ و ۸ است. در آن زمان شرکت نفت و گاز پارس، (از زیرمجموعه های شرکت ملی نفت ایران که متولی توسعه میدان گازی پارس جنوبی است) تبلیغات بسیار پرهزینه و به واقع نامحدود خویش را برای افتتاح این پروژه انجام داد. اکثر کوچه و خیابان ها و حتی اکثر پمپ بنزین ها، تقریباً همه کانال های تلویزیونی در شب های متوالی به مدت نزدیک به سه هفته و حتی تلفن های همراه به وسیله پیامک، آماج یک بسیج تبلیغاتی (که نشان از هزینه بی هنگفت داشت) برای افتتاح این پروژه شده بودند